

# مترجمان مسلمان

## گسترش فرهنگ و تمدن اسلام در قرن دوم هجری

ناصر نادری

اگر همه چیز، مثل نقاشی کردن آرزوهای بچه‌ها بود، چه می‌شد؟ به راحتی یک برج صد طبقه می‌کشیدی، بعد هزاران نفر صاحب‌خانه می‌شدند. یک ماشین می‌کشیدی که می‌رفت توی آسمان، از روی اتوبان‌های شلوغ می‌گذشت و روی سقف خانه‌ات می‌نشست و... اما اینها همه خیالات است!

در دنیا، هیچ چیز، انقافی و خیالی نیست. به قول دانشمندان «هر معلولی، علتی دارد». اگر صدایی هست، منبع صوتی وجود دارد. اگر نوری هست، منبع نوری هست. صدا و نور، تصادفی پدید نمی‌آید. در طول تاریخ نیز پیشرفت یا پسرفت فرهنگ و تمدن ملل، زائیده عواملی بوده است. اگر مسلمانان در قرن دوم هجری به اوج فرهنگ و تمدن جهان رسیدند، زمینه‌ها و دلایلی وجود داشته است. درخت تناور و پرثمر فرهنگ و تمدن اسلامی، ریشه‌هایی دارد که در این شماره به آن می‌پردازیم و از شماره آتی، به میوه‌ها و ثمرات شیرین آن.

### ریشه اول - توجه به تعالیم دین

۲۲ باب در اهمیت علم ذکر شده است.

#### ریشه دوم - ترجمه آثار ملل

مسلمانان برای استفاده از آثار علمی سایر ملل، پیوسته آثاری را از زبان‌های سانسکریت، پهلوی، سریانی و یونانی به زبان عربی ترجمه می‌کردند. در سال ۷۶۲م، منصور، خلیفه دوم عباسی، نخستین بنای پایتخت جدید (بغداد) را بنیان نهاد. آن‌گاه دانشمندان را از مناطق مختلف در این شهر گردآورد و آنان را به ترجمه کتاب‌های علمی و ادبی از زبان‌های دیگر تشویق کرد. بسیاری از این دانشمندان، به این کار تمایل فراوانی نشان دادند. بیشتر آنها از دانشمندان یهودی و مسیحی یا تازه‌واردان به اسلام بودند.

#### ریشه سوم - کتاب و کتابخانه

در دوران خلفای عباسی، کاغذسازی در کشورهای اسلامی رواج یافت که یکی از تولیدهای محلی به‌شمار می‌رفت. در پرتو این صنعت، کتاب و فور پیدا کرد و کاغذسازان اقدام به فروش و استنساخ کردند. در این هنگام، عده‌ای به جمع‌آوری کتاب پرداختند و در نتیجه،

قرآن کریم، پیروانش را به تفکر درباره قوانین طبیعت دعوت می‌کند. در ۲۷ آیه به تعبیر «اعلموا» (بدانید) دعوت آشکار به فراگیری علم شده است. قرآن گاه می‌فرماید: «افلا تتفكرون» [انعام: ۵۰]؛ یعنی: «آیا اندیشه نمی‌کنید؟» و گاه با ذکر نمونه‌هایی از مسائل کیهان‌شناسی، فیزیک، زیست‌شناسی و پزشکی می‌فرماید: «لعلهم یتفكرون» [اعراف: ۱۷۶]؛ یعنی «باشد که تفکر کنند». جالب است حدود ۷۵۰ آیه از آیات قرآن کریم (تقریباً یک‌هشتم از کل آیات قرآن) انسان‌ها را به تفکر در طبیعت و کسب معرفت علمی، به‌عنوان بخشی از وظایف زندگی فردی و اجتماعی - ترغیب کرده است. علاوه بر تعالیم قرآن کریم، رهبران دینی در طول زندگی‌شان، درصدد القای اهمیت علم و برتری دانشمندان نسبت به سایر مردم بوده‌اند. برای نمونه، در کتاب «اصول کافی» که یکی از کتاب‌های چهارگانه معتبر روایی شیعیان است، بخش‌های نخستین به عقل و جهل و به فضیلت دانش اختصاص یافته و در بخش دوم

کتابخانه‌های متعددی در هر گوشه پدید آمد.

از کتابخانه‌هایی که در سده دهم میلادی شهرت به‌سزایی در کشورهای اسلامی کسب کرد، کتابخانه موصل بود که دانشمندان برای مطالعه و بهره‌برداری علمی به آن روی می‌آوردند. در آنجا قلم و کاغذ برای هر کس که می‌خواست، رایگان بود. در همین قرن، شخصی کتابخانه‌ای در بصره داشت که نه تنها قلم و کاغذ را به علاقه‌مندان رایگان می‌داد، بلکه مقرری ماهانه‌ای هم به دانشجویانی می‌داد که در آن کتابخانه، اوقات خود را به مطالعه می‌گذراندند. کتاب‌های «دارالحکمه» در قاهره (مصر)، به حدود دو میلیون





### مترجمان بزرگ

#### عبدالله بن مقفع

از افراد نامدار ابن گروه، عبدالله بن مقفع (۷۵۷ م) است که زرتشتی بود و تازه به آیین اسلام درآمده بود. مشهورترین کتابی که او ترجمه کرد، همان «کلیله و دمنه» است که اصلش به سانسکریت بود و سپس به پهلوی ترجمه گردید. ابن مقفع، این کتاب را از پهلوی به عربی برگرداند.

#### سید هاتنا

دانشمند دیگری که آن روزها وارد بغداد شد، جهانگرد هندی به نام «سید هاتنا» بود که کتاب مهمی در علم هیئت داشت. این دانشمند کمک کرد تا کتاب خودش و نیز کتاب دیگری در ریاضیات، به زبان عربی ترجمه شود.

#### جرجیس بن بختیشوع

یکی دیگر از مترجمان به نام «جرجیس بن بختیشوع» (۷۷۱ م) پزشک نسطوری بود. منصور، خلیفه عباسی، او را از «جندی شاپور» به عنوان پزشک مخصوص به دربارش فراخوانده بود. او سپس به کار ترجمه پرداخت.

#### حجاج بن یوسف بن مطر

نخستین کسی بود که کتاب «اصول هندسه اقلیدس» را ترجمه کرد و نیز از نخستین کسانی بود که کتاب «مجسطی» اثر «بطلمیوس» را به عربی برگرداند.

#### تئوفیل بن توما

وی بخشی از «حماسه ایلیاد» اثر هومر را ترجمه کرد.



بود که مأمون در بغداد گشود و نامش را «دارالحکمه» نهاد. دومین کانون علمی عبارت از تعدادی دانشگاه بود که به نام «مدارس نظامیه» شهرت داشت. وزیر ملک شاه سلجوقی (نظام الملک) مهم ترین آنها را به سال ۱۰۷۶ م در بغداد تأسیس کرد.

پس از گذشت سه سده از تأسیس «نظامیه بغداد» در همان پایتخت اسلامی، دانشگاه تازه‌ای به نام «مستنصریه» به امر مستنصر عباسی (۶۴۰ ق) گشایش یافت.

در سال‌های اول تأسیس این دانشگاه، نظامیه در آن ادغام شد. امتیاز مستنصریه در بیمارستانی بود که برای تعلیم طب به آن ضمیمه شده بود.

جلد می‌رسید و کتابخانه طرابلس در شام (سوریه) حدود سه میلیون جلد کتاب داشت. این در حالی بود که بنا به نوشته دایرةالمعارف کاتولیکی، کتابخانه کلیسای «کانتربوری» که از بزرگ‌ترین کتاب‌خانه‌های مسیحیان بود، فقط ۱۸۰۰ جلد کتاب داشت؛ آن هم در قرن دهم.

#### ریشه چهارم - مدارس و دانشگاه‌ها

مسلمانان در تأسیس مرکز علمی کوشش بسیار داشتند. می‌توان ادعا کرد پس از زمانی که طولانی هم نبود، شبکه‌ای از مدارس در سراسر کشورهای اسلامی گشایش یافت و در هر شهر و دهکده‌ای برپا گردید.

نخستین فرهنگستان در اسلام همان

منابع  
۱. منابع فرهنگ اسلامی، ترجمه خلیل خلیلیان، دفتر فرهنگ اسلامی.  
۲. محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.  
۳. زین‌العابدین قرآنی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
۴. علم در اسلام، به اهتمام احمد آرام، سروش.

